



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۴۰

۱۳ دی ۱۳۸۱

۳ ژانویه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

در حاشیه دادگاه عباس عبدی

فاتح بهرامی

دادگاه عباس عبدی و اظهارات وی ضربه ای شدید به دو خردادپها و بویژه جبهه مشارکت وارد کرد و در میان آنها تشمت و سردرگمی را افزایش داد. عبدی یکی از تنورسین های جبهه مشارکت و از عناصر "تندرو" دو خرداد بود که بدلیل مطرح کردن بحث هائی مانند "خروج از حاکمیت" و "فراندم" جایگاه ویژه ای در میان آنها داشت و حتی نقطه امید و اتکائی برای گروه های اپوزیسیون طرفدار رژیم مانند فدائی اکثریت و امثالهم بود. از آنجا که دو خردادپها در کشمکش با جناح راست نظرات عبدی را یک اهرم فشار تبلیغی موثر تلقی میکردند، اظهارات وی در دادگاه مبنی بر مردود دانستن طرحهای خروج از حاکمیت و فراندوم و اینکه در جریان "نظر سنجی" اشتباهاتی مرتکب شده که باید آنرا جبران کند، کل سران جبهه مشارکت و برخی دیگر از سران دو خردادی را نگران و دستپاچه کرد. هدف جناح راست هم از دستگیری عبدی و تبلیغات روی پرونده نظر سنجی اساسا فشار گذاشتن روی جبهه مشارکت و کل جناح دو خرداد بود.

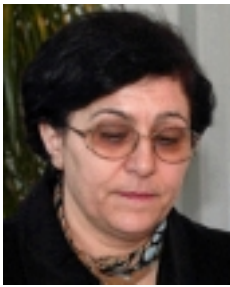
گسترده‌گی عکس العمل عناصر دو خرداد در درون و بیرون حکومت و تفاوتها و تناقضات آنها حکایت از اهمیت ماجرای عبدی برای دو خردادپها و همچنین آشفتگی آنها داشت. در میان سران خود جبهه مشارکت بعضی گفتند که عبدی در دادگاه حالت عادی نداشته یعنی شکنجه شده، برخی دیگر گفتند شکنجه نشده است، گفتند دفاع عبدی تناقضی با دیدگاههای گذشته اش نداشت، دفاع وی صرفا حقوقی بود، مواضع او همان مواضع جبهه مشارکت است، گفتند حرفهای عبدی ربطی به جبهه مشارکت ندارد و غیره. کیهان ادعا کرد که یکی از مشارکتی ها در راهروهای مجلس گفته که عبدی با دادگاه تباخی کرده و باید از جبهه مشارکت اخراج شود. دو خردادپهای دیگری گفتند که عبدی یک سیاستمدار کار کشته است که با این سخنان خواسته فداکاری کند و جبهه مشارکت را از زیر فشار بیرون بیاورد، برخی اشاره کردند که سخنان عبدی با توافق جبهه مشارکت بوده است و غیره. این عکس العمل ها البته همگی مربوط به آن بخش از حرفهای عبدی است که در رد نظرات قبلی خودش درباره خروج از حاکمیت و فراندوم گفته بود و نه اشتباهاتی که گفته است در جریان نظرسنجی مرتکب

صفحه ۲

توقف سنگسار یک قدم در پیشروی جنبش ماست!

مصاحبه با مینا احدی

درباره عقب نشینی رژیم از سنگسار



بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه میکنند. در مبارزه علیه سنگسار نیز جنبش کمونیست کارگری و حزب کمونیست کارگری در صف اول مبارزه ایستاده و به این معنی عقب نشینی رژیم اسلامی، دستاوردی برای این جنبش معین است.

تا آنجا که به نقش کمیته بین المللی علیه سنگسار بر میگردد، این تنها سازمان جهانی است که به طور ویژه بر علیه سنگسار مبارزه میکند. سابقه فعالیت ما بر علیه سنگسار

صفحه ۳

مورد نحوه عقب نشینی و پیدا کردن کلاه شرعی برای آن در جریان است. این هنوز اعلام رسمی لغو قانون سنگسار نیست و فعلا در حد عدم اجرای احکام سنگسار و یا توقف صدور احکام جدید سنگسار است.

توقف صدور احکام سنگسار و یا هر عقب نشینی دیگری از سوی جمهوری اسلامی در وهله اول به مبارزات مردم ایران و فعالیتهای گسترده جنبشی گره خورده است که به نقد صریح و بیرحمانه اسلام سیاسی و مذهب پرداخته و در جبهه های مختلف

هفتگی: رسانه ها خبر از توقف سنگسار در جمهوری اسلامی داده اند. موضوع از چه قرار است، و بنظر شما نقش فعالیتهای کمیته بین المللی علیه سنگسار در این عقب نشینی جمهوری اسلامی چیست؟
مینا احدی: موضوع اینست که جمهوری اسلامی بالاخره در مقابل اعتراضات مردم در داخل و مجموعه اعتراضات بین المللی عقب نشسته و فعلا اجرای احکام سنگسار در ایران را متوقف کرده است. در بین آخوندها و مقامات جمهوری اسلامی البته بحث فراوانی در

نقش محوری شوراها در صحنه سیاست ایران

مصاحبه با رحمان حسین زاده

درباره مصوبات اخیر دفتر سیاسی



و بند و بستهای خود با دیگران و قدرتهای بزرگ میدانند. همه اینها یعنی نقش تعیین کننده مردم در شکل دادن به آینده تحولات سیاسی در ایران. داریم به شرایطی نزدیک میشویم که جنبش عمل مستقیم توده‌ای گسترده‌تر شود و نهادهای ابزارهای اعمال اراده توده‌ای سربرآورند. در بطن چنین شرایطی شوراهاى مردم به عنوان ابزار مهم تجلی اعمال اراده مستقیم سازمان میبایند. مردم ایران تجربه شوراها را از دوره انقلاب ۵۷ دارند. رادیکالیسم قدرتمند موجود در جامعه و حزب کمونیست کارگری اینرا میخواهد، با جلو رفتن مبارزه مردم جمهوری اسلامی ضعیف تر شود، یعنی روندی که فی

صفحه ۴

را از سرمایه‌گذاران. علیرغم ارزیابیهای متفاوت از سیر تحولات، همه کم و بیش اذعان میکنند که دینامیسم تحرک و تحول جاری در ایران را دخالت مستقیم توده مردم تشکیل میدهد. اعتراضات عمومی و دانشجویان و اعتراضات گسترده کارگری، پاپیش گذاشتن نسل جوان و نقش زنان سطوح متنوع و گسترده دخالت گری مردم در تحولات سیاسی جاری است. تحرک از "پایین" شکاف و جناح بندی بر "بالا" را تحمیل کرد و امروز همان پتانسیل هر دو جناح و کلیت رژیم اسلامی را نشانه رفته است. همین پدیده اپوزیسیون طرفدار رژیم را در تظهير جمهوری اسلامی ناکام کرد. اپوزیسیون بورژوازی حضور مردم را مانع جدی معاملات

هفتگی: اعلام منشور آزادیهای سیاسی و اعلام نشست نمایندگان شوراهای مردم بعنوان ذیصلاح ترین مرجع برای تعیین نظام حکومتی اتی، دو اقدامی است که در قطعنامه اخیر دفتر سیاسی حزب به آن اشاره شده است. بنظر شما شوراهای مردم چگونه و در چه شرایطی امکان تشکیل شدن دارند و نقش و تلاش حزب در این مورد چگونه باید باشد؟

رحمان حسین زاده: شکل گیری شوراهای مردم تابعی از دخالت مستقیم مردم در صحنه سیاست و وجود سیاست رادیکالی است که تشکیل شوراهای را در دستور داشته باشد. امروز که به صحنه سیاست در ایران خیره میشوی این ملزومات را در دسترس می‌بینی. جامعه ایران تحول سیاسی مهمی

صفحه ۲

اعتراضات کارگری دو هفته اخیر

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعتراضات کارگری دو هفته اخیر

قریب هفتاد نفر از کارگران با سابقه بر سر افزایش دستمزد و همچنین در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده همچنان ادامه داشته است. خلاصه اخبار بخشی از این اعتراضات بشرح زیر است.

در دو هفته اخیر اعتراضات کارگری بر سر افزایش دستمزد و همچنین در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده همچنان ادامه داشته است. خلاصه اخبار بخشی از این اعتراضات بشرح زیر است.

تجمع و راهپیمایی با شکوه کارگران لوله سازی اهواز

سه شنبه ۱۰ دیماه ساعت ۹ صبح کارگران لوله سازی اهواز در اعتراض به تعطیلی کارخانه و دستمزدهای معوقه خود دست به راهپیمایی و تجمع اعتراضی زدند. راهپیمایی با حرکت صدها تن از کارگران از فلکه یاداد شروع شد. در مسیر راه مردم گروه گروه به صف کارگران میپیوستند. وقتی صف راهپیمایان به دفتر حوزه علمیه رسید هزاران نفر در خیابان تجمع کرده بودند. طنین شعارها تمام شهر را به لرزه در آورده بود. شعارها در حمایت از کارگران بود و برعلیه مقامات جمهوری اسلامی. جمعیت حدود یک ساعت در اینجا توقف کرد و بعد صف عظیم راهپیمایان بطرف مرکز شهر به حرکت در آمد. خیابانهای اصلی بند آمده بود. نیروهای ضد شورش رژیم اسلامی از کثرت جمعیت قدرت عکس العملی در خود نمی دیدند. مدام تقاضای کمک میکردند و خودروهای تازه ای پر از پاسداران وارد میشدند. جمعیت در چهارراه نادری متوقف شد. نیروهای سرویگر بعد از یک ساعت تمام منطقه را در محاصره خویش در آوردند. کارگران برای دستمزدهای معوقه، علیه تعطیلی کارخانه و برعلیه مقامات شعار میدادند. بر تعداد مردم هر دم افزوده میشد. بیش از بیست هزار نفر گرد آمده بودند. نیروهای سرویگر به مردم یورش آوردند. درگیری آغاز شد. تعداد زیادی دستگیر شدند. بعد از حدود دوساعت سرویگران جمهوری اسلامی با خشونت موفق شدند مردم را متفرق کنند و تعدادی از کارگران را سوار اتوبوسها کرده و به زور راهی کارخانه کردند. سرویگران در محل کارخانه مستقر شده بودند. کارگران با مشاهده سرویگران حاضر به ماندن در کارخانه نشدند و اعلام کردند که به مبارزه خود در روزهای آتی ادامه خواهند داد و با این تصمیم کارخانه را ترک کردند.

کارگران چینی گیلان و درخشان یزد دست به تجمعات اعتراضی زدند!

روز چهارم دیماه کارگران چینی گیلان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان در برابر استاندار گیلان تجمع کردند و دست به اعتراض زدند. در این اجتماع بیش از دویست نفر از کارگران شرکت داشتند و خواهان این بودند که مسئولین استان به خواست آنها رسیدگی کنند. با ادامه اعتراضات کارگران، رئیس سازمان صنایع و معادن استان در جمع کارگران حضور یافت و تلاش کرد کارگران را با وعده و وعید به خانه بفرستد. اعتراضات بعد از سخنان رئیس سازمان صنایع شدت و حدت بیشتری یافت و کارگران خیابان مقابل استانداری را بستند و در مورد خواستههای خود به رهگذران توضیح دادند. نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی که منطقه را به کنترل خود در آورده بودند به کارگران یورش آوردند و چند تن از کارگران در این تهاجم زخمی شدند. گزارش دیگری حاکی است که در همان روز چهارم دیماه کارگران کارخانجات درخشان یزد نیز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان تجمع اعتراضی در خیابان چمران صورت داده اند. کارگران این کارخانه بیش از شش ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند.

اعتصاب کارگران نساجی خوی به موفقیت رسید!

کارگران بخش بافندگی کارخانجات



ایران اتفاق افتاد. شرایطی که حتی جناح دو خردادی دانشجویان مجبور شد شعارهای چپ را تکرار کند، شرایطی که مردم در خیابانها شعار مرگ بر خامنه ای را سر دادند و شرایطی که شعار آزادی برابری و آزادی زندانیان سیاسی به شعار اجتماعات دانشجویان تبدیل شده بود و نیروی سرویگر "قانونی" و دولتی همراه با حزب الله و لباس شخصی مشترکا به ضرب و شتم مردم میپرداختند. اینها آن "شرایط امروز" است که قبل از دادگاه عباس عبدی اتفاق افتاده بود. و روشن است در چنین شرایطی خروج از حاکمیت "به نفع نظام نیست". بنابراین با توجه به نقش واقعی این دو شعار روشن است که گفته های عبدی در زندان تناقضی با نظرات وی قبل از دستگیری ندارد. آنچه باعث شده که وی آنها را در زندان پس بگیرد شرایطی است که در آن گیر کرده است و گرنه زمانی هم که دستگیر نشده بود نه هدف ساختار شکنی داشت و نه بطور واقعی خروج از حاکمیت. در نتیجه اظهارات عبدی در زندان با مواضع جبهه مشارکت هم تناقض ایجاد نمیکند. جناح راست علیه عبدی و جبهه مشارکت حمله ای را سازمان داد و تا این حد فعلا موفق شدند.

اعتراض کارگران فرش و پتوی تبریز به اخراجها

کارگران فرش و پتوی تبریز با نوشتن طوماری اخراج دهها تن از کارگران این کارخانه را مورد اعتراض قرار دادند. کارگران اعلام کردند که مدیریت چندی پیش با تئانی با اداره کار تبریز و به بهانه فرسودگی خط تولید،

اما سخنان عبدی چرا برخی از دو خردادها را آشفته کرده و چرا بنفع جبهه مشارکت نبود و آیا بطور واقعی تناقضی با مواضع جبهه مشارکت دارد؟ عبدی در دادگاه گفت که با فراندوم ساختار شکن مخالف است و "در شرایط امروز" خروج از حاکمیت را به نفع نظام نمیداند. مستقل از اینکه عبدی بر اثر فشار و شکنجه وادار به گفتن اینها شده باشد، یا از سر مصلحت و خیرخواهی جبهه مشارکت یا بهر دلیل دیگری، واقعیت را بیان کرده است. در واقع آن دسته از سران جبهه مشارکت که گفته اند موضع عبدی تغییر نکرده و یا سخنان او با موضع جبهه مشارکت تناقضی ندارد، درست میگویند. نه عبدی، نه جبهه مشارکت و نه هیچ دو خردادی دیگری نه تنها قصد شکستن ساختار جمهوری اسلامی را نداشته اند بلکه فلسفه وجودی و شکلگیری جریان دوم خرداد برای "حفظ نظام" و نجات جمهوری اسلامی بوده است. اختلافشان هم با جناح راست در اینست که فکر میکنند آنها فقط با روشهای سروکوب قدیمی نمیتوانند به تنهایی از پس جنبش مردم برای سرنوشتی جمهوری اسلامی بریایند و دارند سر همه و کل نظام را بر باد میدهند. بنابراین مساله بر سر اینست که چرا مواضع عبدی قبل و بعد از زندان با هم تفاوت دارد.

اولا طرح خروج از حاکمیت جز یک حربه تبلیغی علیه جناح راست و یک اهرم فشار برای چانه زنی با رقیب خاصیت دیگری نداشت و ندارد. برای همه مدافعان این تز در درون دو خردادها این روشن است، زیرا خارج شدن آنها از حاکمیت بسادگی بمعنی بستن پرونده شان در قدرت است. تمام نقطه قدرت و امکانات اینها در اینست که یک "بال نظام" هستند و جزئی از حکومت. بنابراین خروج آنها از حاکمیت، حتی اگر جناح راست کاری با آنها نداشته باشد، بمعنی کوتاه شدن دستشان از امکانات در قدرت بودن است، کودن ترینشان این را میفهمد و بنابراین واضح است که اهمیت این طرح نه بخاطر عملی کردنش و نتایج آن بلکه نقش ابزاری آن بعنوان تبلیغ و تهدید است.

ثانیا به زندان افتادن عبدی به اتهام جاسوسی و فروش اطلاعات به بیگانگان و اسیر بودنش در دست دوستان شکنجه گرش دیگر امکان دفاع سیاسی از نظرات قبلی اش را از وی سلب میکند. چون در جناح راست خروج از حاکمیت و فراندوم را مستقیما به طرح بیگانگان ربط میدهد و ربط دادند. بنابراین عبدی با اضافه کردن کلمه "ساختار شکن" طرح فراندومش را کنار میگذارد و با تاکید بر "شرایط امروز" طرح خروج از حاکمیت را. اما اشاره به نکته ای هم درباره "شرایط امروز" مهم است. این "شرایط امروز" شرایطی است که در ۱۶ آذر و بعد از آن با حرکت دانشجویان در سراسر

ایران اتفاق افتاد. شرایطی که حتی جناح دو خردادی دانشجویان مجبور شد شعارهای چپ را تکرار کند، شرایطی که مردم در خیابانها شعار مرگ بر خامنه ای را سر دادند و شرایطی که شعار آزادی برابری و آزادی زندانیان سیاسی به شعار اجتماعات دانشجویان تبدیل شده بود و نیروی سرویگر "قانونی" و دولتی همراه با حزب الله و لباس شخصی مشترکا به ضرب و شتم مردم میپرداختند. اینها آن "شرایط امروز" است که قبل از دادگاه عباس عبدی اتفاق افتاده بود. و روشن است در چنین شرایطی خروج از حاکمیت "به نفع نظام نیست". بنابراین با توجه به نقش واقعی این دو شعار روشن است که گفته های عبدی در زندان تناقضی با نظرات وی قبل از دستگیری ندارد. آنچه باعث شده که وی آنها را در زندان پس بگیرد شرایطی است که در آن گیر کرده است و گرنه زمانی هم که دستگیر نشده بود نه هدف ساختار شکنی داشت و نه بطور واقعی خروج از حاکمیت. در نتیجه اظهارات عبدی در زندان با مواضع جبهه مشارکت هم تناقض ایجاد نمیکند. جناح راست علیه عبدی و جبهه مشارکت حمله ای را سازمان داد و تا این حد فعلا موفق شدند.

اما علیرغم اینها مشارکتی ها و سایر دو خردادها، از این وضعیت پیش آمده ناراحت هستند چون یک ابزار تبلیغی و یک حربه علیه جناح راست را از دست دادند. اگر در مورد حکم آفاجری جناح راست فعلا و عملا عقب نشسته، در ماجرای عبدی به دو خردادها ضربه زد. مشارکتی ها سعی میکنند خود را همسو با گفته های عبدی نشان دهند و فعلا با کوتاه آمدن در مورد شعارهای مذکور به جناح راست امتیاز بدهند و خود را حفظ کنند، از اینرو دوباره بازار بحث "وفاق" گرم شده است. فقط فدائیان اکثریت از عکس العمل های سران مشارکت در همسوئی با عباس عبدی خیلی عصبانی اند چون احساس میکنند در شرایطی که جنبش سرنوشتی دارد پیشروی میکنند، مواضع جبهه مشارکت به ضرر اصلاح جمهوری اسلامی است.

اما در میان برخوردهای عناصر جناح راست به اظهارات عبدی، یک نوشته امیر محبیان از روزنامه رسالت جالب است. خطاب به دو خردادها و رو به مردم ایران، سخنان عبدی در دادگاه را پایان رادیکالیسم در ایران توصیف میکند! خود را به نفهمی میزند که امثال عبدی رادیکالیسم را نمایندگی کرده اند نه مردمی که دو جناح رژیم را بر سر چگونگی حفظ جمهوری اسلامی بجان هم انداخته اند. این عنصر "عاقل" جناح راست البته شعورش قد میدهد که بیربط میگوید اما تلاشش را و تبلیغش را میکند. حتما خوب میدانند که رژیمش در چه شرایطی و تحت فشار رادیکالیسم چه نیروئی مجبور میشود حکم سنگسار را متوقف کند. لابد میدانند که کدام نیرو و رادیکالیسم در خیابانها علیه رهبرش شعار میدهد و به حکومت مذهبی تف میکند. حتما مطلع است که تظاهرات کارگران در اهواز و حمایت وسیع مردم از آنان و دهها مورد مشابه با چه مکافاتنی توسط نیروی سرویگرشان مهار شده است.

رادیکالیسم در ایران با شتاب زیادی در حال رشد است. کارگران، زنان، جوانان و مردم آزادیخواه رادیکالیسمی را نمایندگی میکنند که قصد جان رژیم اسلامی را دارد، بجای این حکومت نکبت و انسان ستیز جامعه انسانیهای آزاد و برابر نیاز دارند. حاکمان ایران صدای پای این رادیکالیسم و پیام آترا خیلی وقت است شنیده اند، برای همین است که خواب راحت ندارند. ■



نساجی شهرستان خوی روز دوشنبه دوم دیماه دست از کار کشیدند. کارگران به معلق شدن قراردادهای یک ساله خویش با کارخانه و تغییر یک جانبه آن از سوی مدیریت به قراردادهای شش ماهه اعتراض دارند. با اعتراض کارگران بخش بافندگی این کارخانه و حمایت کارگران بخش ریسندگی، نماینده اداره کار استان و فرمانداری خوی ناچار شدند در جمع کارگران حضور یابند و با کارگران اعتصابی به مذاکره بپردازند. بعد از ساعتی بحث و مذاکره آنها اعلام کردند که خواستههای کارگران در عرض مدت ده روز عملی خواهد شد. کارگران با دستیابی به این موفقیت دست از اعتصاب کشیدند و به سر کارهای خود بازگشتند.

اعتصاب کارگران شهرداری برای افزایش دستمزد

روز دوشنبه دوم دیماه کارگران رفتگر یک ناحیه شهرداری تهران برای افزایش دستمزد اعتصاب کردند و از جمع آوری زباله ها خودداری کردند. این اعتصاب یک حرکت هشداری یک روزه بود و کارگران اعلام کردند که در صورتی که دستمزدهای پایین آنها افزایشی جدی نیابد به اعتصابی سراسری دست خواهند زد. این حرکت اعتراضی هشداری حاکی از تدارک اعتصابی وسیع در میان کارگران شهرداری برای خواست افزایش دستمزدهاست.

مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها شروع شده و زمزمه های حرکتی وسیع در این زمینه در میان کارگران کارخانه ها به گوش میرسد. حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران را به مبارزه ای متحد برای افزایش دستمزدها و پرداخت فوری و بی قید و شرط دستمزدهای پرداخت نشده فرا میخواند. کارگران میتوانند با به میدان آوردن نیروی متحد خود، دهها هزار نفر را در پشتیبانی از خود به حرکت درآورند. این تنها راهی است که در شرایط فعلی برای عقب راندن حکومت اسلامی و کارفرماها در مقابل کارگران قرار دارد. ما همچنین همه مردم شریف را به حمایت از کارگران و اعتراض به سرکوب اعتصابات و اعتراضات کارگری فرا میخوانیم.

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

از صفحه ۱

توقف سنگسار ...

و قوانین ضد انسانی اسلامی به زمان تصویب این قوانین بر میگردد. اما کمیته بین المللی علیه سنگسار سه سال قبل تشکیل شد و ما در طول این مدت مجموعه کارهای اجتماعی، بزرگ و موثر و جهانی را برای لغو قانون وحشیانه سنگسار و همچنین نجات جان قربانیان انجام داده ایم. ما در طول این مدت از یکطرف با کار در بین افکار عمومی جهانی و فشار به دولت‌های اروپائی و اتحادیه اروپا و با نقد تز نسبیست فرهنگی که به نوعی پاپسیفسم در بین سازمانهای مترقی دامن زده بود، توانستیم توجه زیادی را به این معضل جلب کنیم. از طرف دیگر برگزاری دهها میتینگ و تظاهرات در کشورهای اروپائی و در مقابل ساختمان اتحادیه اروپا در بروکسل، شکستن سد سانسور مدیای بین المللی و انجام مصاحبه های فراوان در این مورد، ترتیب دادن جلسات سخنرانی و یا شرکت در جلساتی که از سوی عفو بین الملل و یا سازمانهای مترقی دیگر فراخوان داده میشد، و بالاخره ملاقات با نمایندگان پارلمانها و بویژه چندین ملاقات با مقامات اتحادیه اروپا و نقد سیاستهای آنان بخش دیگری از تلاش جهانی ما بر علیه سنگسار بود. ما در طول فعالیتیمان در چند سال اخیر چندین کمپین پر سر و صدا و موفق داشتیم که از جمله آنها فعالیتهای گسترده برای نجات مریم ایوبی، که متأسفانه حکم سنگسارش توسط جنایتکاران اسلامی اجرا شد، فراخوان به بایکوت مسابقات ملکه زیبایی جهان در نیجریه و یا راهپیمایی فعالین ما در شهر وین در مقابل سفارتخانه های کشورهایی که در آنجا سنگسار انجام میگردد و ملاقات و مذاکره با سفرای کشورهای سودان و پاکستان و نیجریه و یا راهپیمایی یک زن عضو کمیته ما از آنکارا تا استانبول در اعتراض به مجازات سنگسار را میتوان نام برد. حتما خوانندگان انترناسیونال از کنفرانس هایریش بل در ماه دسامبر که از من و خانم یوتا ساندرآ عضو کمیته بین المللی علیه سنگسار در اتریش برای سخنرانی درمورد سنگسار دعوت شد و پاسخ بسیار دفاعی وزارت امور خارجه آلمان به انتقادات من خبر دارند، همینطور از ملاقاتی که در همین ماه دسامبر با چند نفر از مسئولین اتحادیه اروپا در بروکسل داشتم و استقبال رسمی و گرم آنها از هیئت ما و قول و قرارهایی که برای تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی به ما دادند. همه اینها به همراه بیست کامل رژیم اسلامی و مجموعه اعتراضات و مبارزات

وسیع مردم در داخل ایران، بیشترین تاثیر را داشته است که اتحادیه اروپا موضع سختگیرانه تری اتخاذ کند و اکنون جمهوری اسلامی ایران در موقعیت ضعیفی که دارد، مجبور به عقب نشینی شده است.

هفتگی: اکنون بعد از سه سال فعالیت کمیته بین المللی علیه سنگسار و تلاشهای خود شما در راس آن، بویژه پس از عقب نشینی حکومت اسلامی، ارزیابی شما از جایگاه این کمیته چیست؟

مینا احدی: این کمیته اکنون یک نهاد شناخته شده و معتبر جهانی است. این به یمن فعالیتهای گسترده و جهانی و انجام کارهای بزرگ تبلیغی و افشاگرانه و در عین حال به یمن نقد اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و همچنین نقد سیاست دولتهای غربی در مباحثات با تروریسم اسلامی و مشخصا جمهوری اسلامی بوده است. ما در این کمیته به نقد مذهب اسلام و همه مذاهب پرداختیم، به اسلام و اسلام سیاسی آوانس ندادیم و مستقیما با مردم تماس گرفتیم. و کوشیدیم تصویر غلطی را که مدیای غربی بنا به منافع دولتهای غربی در جامعه پراکنده میکنند، نقد کنیم و حقایق این جوامع را با مردم در میان بگذاریم. فعالیتهای ما با استقبال و احترام عمیقی در دنیا روبرو شده و هم اکنون کمیته ما یک مرکز مهم مورد مراجعه از سوی سازمانها و نهادها، از سوی نویسندگان و محققین و از سوی فعالین جنبش زنان و عفو بین الملل و یا سایر سازمانهای بین المللی است. ما فعالیتهای خودمان را ادامه خواهیم داد تا لغو کامل قوانین ضد انسانی قصاص اسلامی، تا لغو قطعی و کامل مجازات سنگسار و اعدام و در عین حال ما خواهان محاکمه و مجازات عاملین سنگسار انسانها، این جنایات هولناک و غیر قابل تصور در هر نقطه ای از جهان هستیم. دستور دهندگان و صادر کنندگان احکام سنگسار باید بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه و مجازات شوند. و بطریق اولی مقامات جمهوری اسلامی ایران بدلیل سنگسار تعداد زیادی از انسانها در طول بیست و چهار سال گذشته باید محاکمه و مجازات شوند.

هفتگی: جمیله کلبور و برخی عناصر دوخردادی رژیم درباره توقف سنگسار نکاتی مطرح کرده اند. مضمون حرفهایشان چه بوده و نظر شما در مورد آنها چیست؟

مینا احدی: دو خردادبها مجبور شده اند بگویند که اوضاع در مورد حقوق زنان وخیم است و باید به عقب نشینی تن داد. از یکطرف

وجود یک جنبش اجتماعی وسیع زنان در ایران برای نقد قوانین و سیاستهای ضد زن جمهوری اسلامی و از سوی دیگر مجموعه اعتراضات جهانی علیه رژیم تروریست اسلامی و بویژه نفرت و انزجار از احکام وحشیانه سنگسار اینها را در منگنه قرار داده است. بویژه در مورد سنگسار که به یک محور اعتراض اتحادیه اروپا و یک نقطه کلیدی در اعمال فشار اتحادیه اروپا به دولت ایران در آمده است، عقب نشینی را ناگزیر میدانند. البته استدلال آنها اینست که برای بهبود وجهه بین المللی جمهوری اسلامی و ادامه حیات آن باید به تغییرات تن داد، نه اینکه سنگسار وحشیانه، غیر انسانی و قرون وسطایی است. مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد خاتمی دو سال قبل گفته بود که بهتر است مجازات سنگسار در خفا انجام گیرد تا افکار عمومی بین المللی را علیه جمهوری اسلامی خراب نکند. اکنون محمدرضا خاتمی، جمیله کلبور و سایر مقامات حکومت اسلامی تلاش میکنند تا جمهوری اسلامی را متقاعد کنند که از اعدام بجای سنگسار استفاده شود. از نظر آنها عقب نشینی باید چنان باشد که به پایه های رژیم لطمه ای نزنند.

سنگسار یک ستون اسلام سیاسی و حکومت اسلامی است. عقب نشینی از این سنگر اگر حساب شده نباشد، باعث لرزش جدی این ساختمان میشود و دو خرداد میکوشد که این لرزش تا نهایت درجه تخفیف یابد. در این میان تلاش رسانه های دست راستی امثال بی بی سی و فرانسه و اسرائیل و غیره این است که همه مبارزات و فشارهای داخلی و بین المللی و از جمله مجموعه فعالیتهای کمیته بین المللی علیه سنگسار را نادیده بگیرند و سخاوتمندان! آنها را به کیسه امثال جمیله کلبور بریزند. خانم کلبور که خواهان اعدام بخاطر رابطه جنسی خارج از ازدواج است از نظر اینها قهرمان دفاع از حقوق زن و حقوق بشر است و گویا بدلیل تلاشهای خواهران زینب و وابستگان مونث آخوندها در قم و تهران است که این تغییرات دارد انجام میگردد. اینها واقعا بیشرمی و وقاحت را به حد اعلائی خود رسانده اند. اما روشن است که مقامات دو خردادی رژیم اسلامی هم از زن و مرد و از جمله بنظر من شخص جمیله کلبور، خود متهم اند و شریک جنایات رژیم علیه زنان و علیه حقوق مردم ایران هستند.

هفتگی: علاوه بر ادامه فعالیتهای روتین علیه سنگسار در سطح بین المللی، در مورد ایران چه اقدامات و فعالیتهایی را بدنبال عقب نشینی

رژیم در دستور کار دارید؟
مینا احدی: قدم بعدی ما در ایران فشار به رژیم اسلامی و اتحادیه اروپا برای اعلام علنی و رسمی لغو قانون سنگسار خواهد بود. جمهوری اسلامی در مورد مجازات بخاطر روابط جنسی خارج از ازدواج حرف میزند و اکنون بدنبال جایگزین کردن سنگسار با اعدام است. این حد اصلاح حکومت اسلامی! و حد حقوق بشر اسلامی است! حرف ما اینست که رابطه جنسی بین افراد بزرگسال امر خصوصی آنها است و هیچ مقام و فرد و دولتی حق دخالت در آن را ندارد چه رسد به مجازات آن. ما خواهان لغو قوانین مجازات اسلامی هستیم، از شلاق زدن گرفته تا اعدام و سنگسار. بنابراین ما کماکان مبارزه مان را با تمام قوا ادامه میدهم. دولتهای اروپائی آماده اند تا در صورتی که ما افشاگری نکنیم به همین اعدام بجای سنگسار رضایت دهند و از پیشرفت دموکراسی و حقوق بشر تحت حکومت خاتمی حرف بزنند. ما به آنها اجازه نخواهیم داد و بنابراین یک وجه مبارزه ما فشار به دولتهای اروپائی و اتحادیه اروپا خواهد بود.

یک خواست مهم دیگر ما اینست که مقامات جمهوری اسلامی ایران بدلیل سنگسار انسانهای زیادی که در طول بیست و چهار سال گذشته قربانی این رفتار وحشیانه شده اند، باید در یک دادگاه بین المللی محاکمه و مجازات شوند. ما اکنون در صدد سازمان دادن یک دادگاه بین المللی در لاهه هستیم که روز دوشنبه همین هفته در سایتیهای ایرانی نیز خبر آن اعلام شده بود. این خبر از قول یکی از فعالین کمیته بین المللی علیه سنگسار در اطریش، "یوتا ساندرآ"، که در کنفرانس روز ۱۰ دسامبر در برلین اعلام کرد، بازگو شده است. خانم یوتا ساندرآ در مقدمه صحبتش در این کنفرانس گفته بود که "ایده اولیه این دادگاه بین المللی از طرف مسئول کمیته علیه سنگسار بوده و ما در پاسخ به درخواست وی گروه اطریش این کمیته، برای سازماندهی و عملی کردن این دادگاه بین المللی، زیر نظر هماهنگ کننده کمیته (مینا احدی) این فعالیتها را پیش میبریم. " در سایت اینترنتی "آمروز"، البته مقدمه مذکور از حرفهای خانم ساندرآ که اشاره به کمیته بین المللی علیه سنگسار دارد، حذف شده است! بهر حال کمیته بین المللی علیه سنگسار خواست محاکمه و مجازات سران رژیم اسلامی را در مراجع بین المللی و در سطح افکار عمومی جهانی مطرح کرده و برای اجرای آن تلاش میکند. ■

از صفحه ۱

نقش محوری شوراها

الحال در جریان است، تناسب قوا برای شکل گیری شوراها به مراتب بیشتر آماده میشود. تجربه مردم نشان میدهد به مجرد اینکه جمهوری اسلامی توان سرکوش را از دست بدهد در هر کارخانه و محله و شهری سرعت شوراها شکل خواهند گرفت. که هم در تداوم مبارزه مردم نقش بازی خواهند کرد و هم این مردم متشکل هستند که به معنی واقعی کلمه میتوانند تصمیم آگاهانه بگیرند. در غیر اینصورت، بدون وجود شوراها، مردمی را که فاقد تشکل و فاقد ابزار اعمال اراده مستقیم خویش هستند مثل انتمای پراکنده پای رفراندم و جواب دادن به سؤالاتی مانند "مشروطه آری یا نه" و غیره میبرند که از تصمیم آگاهانه و آزادانه آنان برای دخالت در سرنوشت خویش جلوگیری کنند. اما این دوره تفاوت اساسی با دوره انقلاب ۵۷ دارد. سطح توقع و انتظار مردم بسیار بالاست. کمونیسم کارگری قوی و فعال در صحنه حضور دارد. اتکا به مردم و ایجاد شوراهای مردم از ارکان سیاست حزب کمونیست کارگری است. فعالین کمونیست و رهبران عملی رادیکال از هر فرصتی که بوجود میاید برای ایجاد شوراها میکوشند. تصور من اینست از هم اکنون دارند شرایط ایجاد عملی آن را فراهم میکنند. به نظر من تشکل شوراها در پروسه سرنگونی و قبل از سرنگونی جمهوری اسلامی ابعاد جدی به خود میگردد و به ابزار مستقیم مبارزه مردم برای سرنگونی تبدیل میشوند. در چنین شرایطی با سرنگونی جمهوری اسلامی شوراها در ابعاد سراسری و گسترده تشکیل میشوند و ساختار شورایی نقش محوری در سیاست ایران پیدا خواهد کرد. طبعاً در این مقطع وظایف شوراها با دوره قبل از سرنگونی تفاوت پیدا میکند و نه تنها به عنوان ابزار مبارزه، بلکه اساساً به عنوان ارکان حاکمیت توده‌ای و ارکان اعمال اراده مستقیم مردم عمل خواهند کرد.

هفتگی: با توجه به اینکه مطلوبترین حالت برای آینده سیاسی ایران سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق انقلابی به رهبری حزب کمونیست کارگری است که در آن طبقه کارگر با پرچم سوسیالیسم به میدان آمده باشد، اگر سرنگونی رژیم در شرایطی غیر از این اتفاق بیفتد، فاکتورهای اساسی برای ایجاد آن فضای باز سیاسی که در منشور آزادیهای سیاسی اشاره میشود کدامند؟ برای حفظ این فضای باز سیاسی شوراها

و مردم باید چکار کنند؟
رحمان حسین زاده: در روند تحولات سیاسی ایران ما سر راست به دنبال تحقق آلترناتیو سوسیالیستی هستیم که علاوه بر تضمین دخالت آزاد، آگاه و مستقیم مردم، وسیعترین آزادیها و رفاه و برابری را در جامعه تامین میکند. در شرایطی غیر از این، کماکان تضمین حق مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و حاکمیت آتی جامعه و فراهم کردن شرایط دخالت آزادانه و آگاهانه و مستقیم آنها به این منظور، امر مهم حزب کمونیست کارگری است. منشور آزادیهای سیاسی و اعلام نشست شوراهای مردم برای تعیین نظام حکومتی آینده پاسخ ما به این ضرورت است. تعهد به آزادیهای سیاسی و تبدیل آن به درک و توقع بی‌چون و چرای جامعه و مردم مبنای محکمی برای ایجاد فضای باز سیاسی مورد نظر است. هفت بند منشور آزادیهای سیاسی به شکل روشن و بدون ابهام و صریح آزادیهای سیاسی پایه‌ای در جامعه را فرموله کرده است که من نیازی به توضیح بیشتر این بندها در اینجا نمی‌بینم. در جواب به قسمت دوم سؤالاتان به نظرم حضور متشکل و مستقیم مردم در صحنه سیاست بسیار تعیین کننده است. شوراها هر دو جنبه را هم حضور متشکل و هم مستقیم مردم را تامین میکنند. ایجاد فضای آزاد سیاسی و تشکل شوراها بسیار با هم عجین هستند. در شرایط سیاسی امروز پیشرفت در یکی از این دو حوزه بدون پیشرفت در عرصه دیگر قابل تصور نیست. طبعاً تبدیل مفاد منشور آزادیهای سیاسی به پلاتفرم جافاتاده مردم و شوراها و پافشاری بر تحقق و اجرای آن، تضمین اساسی حق مردم و شرایط آزاد سیاسی مورد نیاز جامعه است.

هفتگی: دفتر سیاسی حزب به احزاب اپوزیسیون فراخوان داده که به منشور آزادیهای سیاسی متعهد شوند. اما برخی احزاب اپوزیسیون مانند سلطنت طلبان، مجاهد، جمهوریخواهان و غیره پلاتفرم و طرح خود را برای نحوه تعیین حکومت آینده ارائه داده اند که در این طرحها از مفاد منشور آزادیهای سیاسی خبری نیست. نظر شما در این باره چیست؟

رحمان حسین زاده: طرح و روشهای ارائه شده اپوزیسیون راست مانع دخالت آزاد و آگاه مردم در تعیین نظام حکومتی آینده است. به همین دلیل با مفاد منشور آزادیهای سیاسی فاصله زیادی دارند. اما این نیروها اهداف خود را در مقولات کلی، گنگ، تفسیر بردار با ظاهری "دمکراتیک" ارائه میکنند. ادعاهایی مثل "مردم سالاری"، "حق مردم"، "دمکراسی و رای مردم" در طرح و

ادبیات آنها کم نیست. ما منشور آزادیهای سیاسی را در مقابل آنها قرار میدهم و طرح و ادعایشان را به محک میگذاریم. ما میخواهیم "ادعاهای کلی" با معیارهای مشخص و کنکرت آزادیهای سیاسی پایهای محک بخورد. اگر گفتند با منشور آزادیهای سیاسی توافق دارند، چه بهتر و این گام مهمی در راستای تضمین حق مردم و ایجاد شرایط امن و آزاد سیاسی برای انتخاب مردم است. من فکر میکنم مفاد منشور آزادیهای سیاسی آنچنان با توقعات طبیعی و بدیهی امروز مردم در ایران عجین است که برای هر نیروی آشنا به فضای سیاسی جامعه سخت خواهد بود با مطالباتی چون آزادیهای بی‌قید و شرط سیاسی، جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش، برابری کامل حقوق همه شهروندان، برابری کامل و بی‌قید و شرط زن و مرد، و آشکارا مخالفت کند. در غیر اینصورت تناقضات و تفاوتی پلاتفرم و ادعاهای آنها با توقعات امروز مردم و آزادیهای سیاسی و حق مردم بیش از پیش آشکار میشود. بگذار مردم ببینند و قضاوت کنند. این به شفافیت و آگاهی سیاسی مردم و به انتخاب آنها و قدرت تشخیص آنها در تعیین سرنوشت سیاسی آیندهشان بسیار کمک میکند. این را هم تاکید کنم، ایرادی در این نیست که نیروهای سیاسی طرح و پلاتفرم خود را ارائه میکنند و دنبال تحقق آن هستند. ما هم همین کار را میکنیم و در همین قطعهنامه مصوب بر آلترناتیو کامل خود پافشاری کرده‌ایم. اما هر نیروی سیاسی مسئول در قبال اوضاع ایران قاعدتاً متوجه است که تالطامات و کشمکشهای جدی سیاسی و اجتماعی در راه است. مردم نقش مهمی در این تحولات دارند. انتظار اولییمان از این تحولات تامین آزادیهای سیاسی و تامین ارادهشان در تعیین سرنوشت آتی جامعه است. منشور آزادیهای سیاسی این نیاز را جواب میدهد و مضافاً قواعد مبارزه سیاسی شفاف را در مقابل نیروهای سیاسی قرار میدهد، که به حداقل شرایط سیاسی متمدانه در پیشبرد این کشمکشها متعهد باشند. در نتیجه علیرغم اینکه هر نیرویی خود چه استراتژی و پلاتفرمی را تعقیب میکند، اگر این واقعیت را به رسمیت نشناسد، و در محاسبات خود آن را دخیل نکند، یا از روند واقعی اوضاع بسیار عقب است و یا رسماً خواست و اراده مردم هیچ

جایگاهی در دیدگاه و سیاست آنها ندارد و در انصورت هدف دیگری را تعقیب میکند و خود را در مقابل مردم قرار میدهد.

هفتگی: در چهارچوب مصوبات اخیر دفتر سیاسی، با توجه به وضعیت ویژه کردستان در تحولات سیاسی ایران، آیا فعالیت و اقدامات دیگری هم در کردستان مد نظر هست که صورت بگیرند؟

رحمان حسین زاده: در این زمینه بخش عمده و اساسی فعالیتهای حزب در کردستان، همان اقداماتی است که رهبری حزب چه رو به مردم و چه در رابطه با نیروهای اپوزیسیون در کل ایران تعقیب میکند. اما این را تاکید کنم که در کردستان تجربه ارائه سیاست مشابهی از جانب کمونیستها و جریان ما وجود دارد. در جهت حفظ حقوق مردم، نزدیک به دو دهه قبل منصور حکمت سند "حقوق پایهای مردم زحمتکش در کردستان را نوشت و ارائه کرد، این سند به سیاست رسمی حزب کمونیست ایران و کومله تبدیل شد و اتفاقاً تاثیر بسزایی در فضای سیاسی جامعه کردستان به جای گذاشت، آگاهی و توقع مردم زحمتکش را نسبت به حقوقشان بالا برد. این تجربه و آشنایی مردم کار ما را آسانتر میکند. تبلیغ و اشاعه وسیع این قطعهنامه و منشور آزادیهای سیاسی در میان مردم کردستان و ارسال آن برای حزب دمکرات و کومله و دعوت آنها به موضوعگیری صریح حول این اسناد از اهم کارهاست. ما به این امر واقفیم که در رابطه با اوضاع در کردستان این اسناد میرمیت فوریتری دارند و به این معنا سرعت عمل بیشتری لازمست. دلیلش به این ارزیابی برمیگردد، که با تضعیف بیشتر جمهوری اسلامی، احتمال خارج شدن زودتر کنترل کردستان از دست جمهوری اسلامی نسبت به بقیه مناطق ایران وجود دارد. امکان جایجایی سریعتر قدرت وجود دارد. احزاب سیاسی از چپ و راست جامعه از جمله خود ما به عنوان حزب کمونیست کارگری و حزب دمکرات با طرح اعلام شده در نظر دارند خلاء قدرت را پر کنند. همین موضوع و کشمکشهای قابل پیشبینی احتمالی در بین این احزاب، ضرورت فوریتر تلاش برای ناظر کردن مفاد منشور آزادیهای سیاسی را بر فضای سیاسی جامعه کردستان عاجلتر میکند. ■

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۴۹۰ کیلو هرتز
۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی

از طریق ماهواره در تلویزیون کانال ۱

سه شنبه‌ها، ۶:۳۰ شب بوقت تهران

کوروش مدرسی

رئیس دفتر سیاسی حزب

Tel: 0044 7748630833

koorosh@ukonline.co.uk

حمید تقوانی

دبیر کمیته مرکزی حزب

h_taqvae@yahoo.com

Tel: 0044 7791130707

اصغر کریمی

asqar-karimi@ukonline.co.uk

Tel: 0044 7714097928

اسد گلچینی

دبیر کمیته تشکیلات کل کشور

Tel: 0044 7940416768

asad.golchini@ukonline.co.uk

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب

Tel: 0046 739855837

r_hoseinzadeh@yahoo.com

آذر مدرسی

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب

Tel: 0044 7815902237

AzarModaresi@Web.de

بهرام مدرسی

دبیر کمیته مرکزی

Sازمان جوانان کمونیست

Tel: 0049 1749440201

bahram-modarresi@web.de

سایت های حزب و نهادهای

www.wpiran.org

www.m-hekmat.com

www.wpibriefing.com

www.jawanan.org

www.marxsociety.com

www.rowzane.com

www.medusa2000.com

www.hambastegi.org

www.childrenfirstinternational.org

www.iwsolidarity.com

www.kvwpiran.org